

# سناریوهای آینده سیاسی یمن تا سال ۱۴۰۸

امید وقوفی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۷/۲۷

نشریه علمی آفاق امنیت / سال سیزدهم / شماره چهل و نهم - زمستان ۱۳۹۹

## چکیده

از نگاه آینده‌پژوهی درک پیشران‌ها، رویدادها و روندهای مؤثر در شکل‌گیری آینده می‌تواند به شناسایی و تبیین آینده‌های بدیل کمک کند. کشور یمن در جنوب غرب آسیا واقع شده و از لحاظ راهبردی اهمیت ویژه‌ای دارد. شناخت سناریوهای آینده سیاسی یمن برای برنامه‌ریزی راهبردی جمهوری اسلامی ایران در این کشور بسیار ضروری است. این پژوهش به‌منظور مطالعه‌ای اکتشافی با هدف سناریونگاری آینده‌های بدیل سیاسی یمن تا افق ۱۴۰۸، به بررسی پیشران‌ها و بازیگران کلیدی پرداخته است. روش این پژوهش آمیخته و ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی است که با استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی مانند مرور منابع، پنل خبرگان، تحلیل آثار متقاطع متوازن و سناریونویسی و بهره‌برداری از نرم‌افزارهای سناریو ویزارد و اکسل تلاش کرده با تدوین سناریوها، آینده‌های سیاسی در یمن را تا سال ۱۴۰۸ تصویر نماید. در اجرای این طرح از ۲۱ نفر از کارشناسان موضوع بهره گرفته شد. از میان ۷۸ پیشران مؤثر بر آینده یمن، با نظر خبرگان سه پیشران کلیدی تعیین، و براساس خروجی نرم‌افزار سناریو ویزارد و تأیید خبرگان شش سناریو مشخص شد؛ سپس داستان آنها تدوین و سناریوها در معرض آزمون «تونل باد» قرار گرفت. در ادامه علائم تحقق و اعتبارسنجی سناریوها در پنل خبرگان مشخص شد. سناریوی شماره یک مطلوب‌ترین سناریو برای جمهوری اسلامی ایران معرفی شد. هم‌چنین بازیگران کلیدی تأثیرگذار شناسایی شدند.

## واژگان کلیدی

یمن، آینده‌پژوهی، سناریونگاری، پیشران، عدم قطعیت

## مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دین در جامعه سیاسی و فرهنگ یمن نفوذ کرد، هرچند که احکام فردی اسلامی از زمان پذیرفتن اسلام از سوی مردم یمن اجرا شد، ولی نفوذ شریعت اسلام در سیاست آن کشور پس از انقلاب اسلامی ایران بود (کریملو، ۱۳۷۴: ۲۸۵). پیروزی انقلاب اسلامی سبب شد تا شیعیان زیدی در شمال یمن با تشکیل گروهی موسوم به حوثی‌ها در برابر استبداد داخلی و استکبار خارجی حاکم بر کشور اقدام به اعتراض کنند و در نهایت با همراهی تمام مخالفان عبدالله صالح، او را از کار برکنار کنند و زمینه را برای اجرای دیگر خواسته‌های مشروع خود هموار سازند. عمده‌ترین خواسته آنها نفوذ قرآن و احکام اسلامی در بطن جامعه، پیشرفت و بهبود اقتصاد کشور و خلع ید کشورهای غربی از منطقه است (خواجeh سروی و شهرکی، ۱۳۹۱: ۲۲۰). در سال‌های اخیر تحولات داخلی یمن توجه ناظران و کشورهای منطقه غرب آسیا و نیز قدرت‌های فرامنطقه‌ای را به خود جلب کرده است. ناآرامی‌های داخلی یمن که ناشی از جنگ‌های پی‌درپی دولت با حوثی‌ها در شمال این کشور و رویارویی با تجزیه‌طلبان در جنوب آن و نیز افزایش فعالیت سازمان تروریستی القاعده است، نگرانی‌های عمده‌ای را در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی موجب شد (صادقیان و احمدیان، ۱۳۸۹: ۲۵۴). این مسئله از جهت دیگر نیز حائز اهمیت است؛ پس از حمله عربستان به یمن، جنبش انصارالله در مبارزه با یکی از دشمنان دیرینه نفوذ گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه یعنی عربستان، نقش محوری پیدا کرده است.

باتوجه به ویژگی تفکرات مبارزاتی و انقلابی‌گری در جنبش انصارالله و پیوند آن با گفتمان انقلاب اسلامی، می‌توان در صورت برنامه‌ریزی و اقدامات صحیح شاهد ایجاد جبهه جدیدی بود که در یک طرف جبهه مقاومت با محوریت ایران و در طرف دیگر عربستان قرار دارد که محوریت مبارزه با انقلاب اسلامی و تفکرات شیعی در کشورهای عربی را دارد. بنابراین کشور یمن از لحاظ راهبردی اهمیت شایانی در آینده نفوذ انقلاب اسلامی در غرب آسیا دارد. شناخت عوامل مؤثر بر آینده یمن برای برنامه‌ریزی راهبردی جمهوری اسلامی ایران در این کشور بسیار ضروری است. بر این اساس هدف این مقاله استفاده از روش آینده‌پژوهی به منظور پاسخ‌دهی به این پرسش است که سناریوهای آینده سیاسی یمن در افق ۱۴۰۸ کدامند؟ افق زمانی این پژوهش ده‌ساله است. سناریوهای سیاسی یمن می‌تواند برای مسئولان و مدیران حوزه‌های مرتبط کاربرد داشته و سبب گسترش تفکر سامانمند و روش‌های آینده‌پژوهی در موضوعات کلیدی در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی باشد.



## پیشینه پژوهش

در مورد آینده پژوهی یمن، مقاله و یا کتاب مشخصی وجود ندارد و آثار موجود صرفاً توصیف وقایع گذشته و حال یمن است و به صورت علمی به سناریوهای آینده سیاسی یمن پرداخته نشده است. در ذیل به برخی منابع اشاره می‌شود.

پژوهشگر (سال پژوهش)	عنوان	نتایج	ارزیابی
محمد سلام (۲۰۱۵م)	پاشنه آشیل یمنی‌ها	نویسنده در این مقاله سناریوهای محتمل برای تحولات یمن را این‌گونه توصیف می‌کند: ابتدایی‌ترین سناریو، فعال کردن تروریسم است که اکنون به‌عنوان ابزار اصلی پیشبرد راهبردهای ارتجاع منطقه‌ای، امریکا و غرب فعال هستند؛ لذا با شروع فتاوی علمای عربستان و اعلام جهاد علیه حوثی‌ها، القاعده و داعش نیز نسبت به حوثی‌ها، موضع جنگی اتخاذ کرده و اقدامات تروریستی خود را آغاز کرده‌اند. ترور جوانان انقلابی و به‌ویژه حوثی‌ها، درگیری نظامی، اشغال برخی استان‌ها، تشدید فشارهای بین‌المللی و راه‌اندازی مجموعه‌هایی مانند دوستان یمن که اعضای اصلی آن عربستان، امریکا، انگلیس هستند، ازجمله اقدامات و برنامه‌های عامل خارجی بویژه عربستان و امریکا است. یکی از ساده‌ترین سناریوهای غرب، تخریب و اختلال در اجرای توافقات بین حوثی‌ها و دولت مرکزی است، که می‌تواند همزمان با سناریوهای قبلی مورد توجه قرار گیرد. آخرین سناریوی انتقامی، آماده‌شدن برای انتخابات ریاست جمهوری یمن در آینده است که از هم‌اکنون احمدعلی عبدالله صالح فرزند عبدالله صالح فراری به عربستان رفته و برای این امر آماده می‌شود. حضور ژنرال علی محسن الاحمر و فرزند علی عبدالله صالح و دیگر افراد حکومت سابق، نشان‌دهنده استقرار گروه مشاور برای سعودی‌ها است تا اقدامات خونین در یمن را طراحی و به اجرا بگذارند. شکل‌گیری هر نوع جنگی در یمن پاشنه آشیلی برای انقلابیون خواهد بود.	این پژوهش به عوامل شکل‌دهنده آینده یمن اشاره مشخصی ندارد و صرفاً به برخی عوامل مؤثر بر آینده با نگاه به سناریوهای آینده یمن می‌پردازد.
عبدالکریم فیروزکلانی (۱۳۹۴)	تحلیلی بر مهمترین علل تهاجم نظامی ائتلاف تحت رهبری عربستان به یمن	نویسنده در این مقاله مهم‌ترین دلایل حمله ائتلاف عربستان به یمن را موقعیت ژئوپولیتیک یمن، همسایگی با عربستان، اتحاد عربستان با امریکا، رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان به-منظور گسترش نفوذ خود در آینده یمن، هراس عربستان از شکل‌گیری حکومت دموکراتیک در یمن و درنهایت مهار انصاراله و به‌قدرت‌رساندن منصور هادی می‌داند.	به تشریح قسمتی از اوضاع کنونی یمن و حمله عربستان به یمن پرداخته و به سناریوهای آینده یمن اشاره‌ای ندارد.



پژوهشگر (سال پژوهش)	عنوان	نتایج	ارزیابی
داوود کریملو (۱۳۹۴)	جمهوری یمن	نویسنده کتاب به مختصات جغرافیایی، ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ساختار سیاسی و حکومت در یمن اشاره کرده است و تا زمان حکومت علی عبدالله صالح بر یمن توضیح داده شده است. در این اثر به روابط یمن با جمهوری اسلامی ایران نیز اشاره کوتاهی شده است.	به ویژگی‌های یمن اشاره کرده و اشاره کرده به آینده یمن ندارد.
عباس مصلی‌نژاد (۱۳۹۴)	سیاست‌گذاری راهبردی در مدیریت بحران یمن	نویسنده در این مقاله بر این فرضیه تأکید دارد که کنترل بحران امنیتی یمن که در آوریل ۲۰۱۵ م گسترش یافت از طریق موازنه منطقه‌ای حاصل می‌شود. امریکا و رژیم صهیونیستی به‌عنوان دو بازیگر جهانی و نیروی منطقه‌ای در روند شکل‌گیری بحران یمن و تشدید مرحله‌ای آن نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرده‌اند.	به عوامل منطقه‌ای و جهانی بحران یمن اشاره کرده و به سناریوهای آینده یمن اشاره نکرده است.
حسین صادقی، حسن احمدیان (۱۳۸۹)	دگرگونی جایگاه علی عبدالله صالح و شریکان او از قدرت و این فرصت‌های پیش آمده اشاره می‌کنند.	نویسندگان به رویه‌های دموکراتیک و ساختارهای مربوط به آن بعد از اتحاد دو یمن اشاره می‌کنند و مشکل را در سوء استفاده علی عبدالله صالح و شریکان او از قدرت و این فرصت‌های پیش آمده اشاره می‌کنند.	به امکانات و چالش‌های یمن در دوران صالح اشاره و از پرداختن به آینده خوداری می‌کنند.
محبوب الزویری (۲۰۱۵)	چگونگی روابط ایران و حوثی‌ها و تأثیر آن بر یمن	نویسنده معتقد است که جنبش حوثی‌ها در یمن در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران است ولی ایران منکر چنین ارتباطی است. هم‌چنین نویسنده استدلال می‌کند که حمایت ایران از این جنبش بعد از تسلط جنبش بر صنعا بیشتر شده است و ایران برای کمک به این جنبش در مقابل رئیس جمهور سابق یمن کمک‌های نظامی می‌کند؛ هم‌چنین بر این امر می‌پردازد که روابط بین ایران و حوثی‌ها در یمن باعث هرج و مرج در منطقه و یمن شده است.	به روابط ایران و انصارالله از نگاه خود اشاره و هیچ اشاره‌ای به سناریوهای آینده یمن نکرده است.
یوزی رابی (۲۰۱۵)	انقلاب یمن	نویسنده در تحقیق خود به ویژگی‌های یمن پرداخته و عوامل مؤثر بر تحولات اجتماعی یمن را بیشتر در قدرت قبایل و داشتن سلاح‌های سبک و سنگین توسط آنها می‌داند. وی در بعضی موارد دامنه نفوذ شیوخ قبایل را بسیار فراتر از محدوده اولیه آنها می‌داند و به قبایل در یمن نقش پُررنگی می‌دهد.	به ذکر ویژگی‌های یمن و نقش قبایل و مسائل اجتماعی پرداخته، و به سناریوهای آینده یمن به‌طور خاص اشاره نکرده است.

## مبانی نظری

نفوذ انقلاب اسلامی در کشورهای منطقه غرب آسیا، به‌ویژه نهضت‌های آزادی‌بخش آن با موضوع صدور انقلاب پیوند تنگاتنگی دارد؛ زیرا در مورد صدور انقلاب اسلامی نظریه‌های مختلفی در ایران مطرح است که پذیرش هر یک از آنها آرایش سیاسی و نظامی منطقه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و مؤلفه‌های مؤثر بر تعیین میزان نفوذ جمهوری



اسلامی در کشورهای منطقه به‌شمار می‌رود.

گروهی اعتقاد دارند که انقلاب اسلامی به اعتبار مکتب خود یعنی اسلام رسالت جهانی دارد و باید به‌دنبال گسترش افکار و اندیشه‌های خود به هرشکلی باشد. این تفکر موجب نگرانی عمیق دولت‌های حاکم بر کشورهای اسلامی است. بی‌تردید کمک کشورهای غربی به عراق در جنگ تحمیلی به‌طور جدی ناشی از ترس ایجادشده در اثر این تبلیغات بود. در برابر این دیدگاه رادیکال، گروهی دیگر متشکل از طیف‌های ملی‌گرا و نهضت آزادی با اساس صدور انقلاب مخالف و بر این عقیده بودند که چون صدور انقلاب با قوانین و مقررات حاکم بر جهان تعارض دارد و باعث ضربه‌زدن به منافع ملی می‌شود، باید از طرح و پیگیری آن خودداری کرد.

امام خمینی(ره) بر این عقیده بود که انقلاب اسلامی با پیروزی بر خشن‌ترین و قدرتمندترین دیکتاتورها، راه آزادی را از قید استبداد و امپریالیسم به روی ملت‌های محروم و ستمدیده گشود و به آنها نشان داد که چگونه می‌توان بر این قدرت‌های شیطانی غلبه پیدا کرد. هم‌چنین پیام انقلاب اسلامی را به گوش آنها رساند تا راه و مسیر آزادی را به آنها نشان بدهد. امام خمینی(ره) با تأکید بر اینکه ما به سرزمین‌های دیگران چشم طمع نداریم، در مورد صدور انقلاب فرمودند: «اینکه می‌گوییم که انقلاب ما به همه‌جا صادر بشود، این معنی غلط را از او برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم. ما همه کشورهای مسلمین را از خودمان می‌دانیم. همه کشورهای ما باید در محل خودشان باشند. ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرت‌ها فاصله گرفتند و دست آنها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همه ملت‌ها و در همه دولت‌ها بشود. آرزوی ما این است. معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار بشوند و همه دولت‌ها بیدار بشوند و خودشان را از این رفتاری که دارند و از این تحت سلطه‌بودنی که هستند و از اینکه همه مخازن آنها دارد به باد می‌رود و خودشان به نحو فقر زندگی می‌کنند نجات بدهند» (صحیفه نور، ج ۱۱: ۲۲۶).

امام خمینی(ره) با پذیرش پیوند ذاتی انقلاب اسلامی با صدور انقلاب بر این عقیده بودند که پیگیری مصالح اسلامی در قالب صدور انقلاب نه‌تنها آسیبی به منافع ملی نمی‌زند؛ بلکه می‌تواند باعث تقویت این حوزه و استحکام درونی و بیرونی نظام گردد.

با سقوط دولت موقت از یک طرف و مخالفت امام با دیدگاه‌های رادیکال معطوف به کشورگشایی در قالب صدور انقلاب از طرف دیگر، مناقشات نظری در این مورد تا حدودی فروکش کرد؛ اما آنچه در عرصه عملی بر نفوذ ایران در منطقه تأثیر شگرف داشت، جنگ تحمیلی بود. جنگ هشت‌ساله ایران و عراق و فراز و فرودهای آن از نفوذ ایران در منطقه



غرب آسیا کاست؛ اما تحولات بعد از جنگ به‌ویژه وقوع حوادثی مانند جنگ خلیج فارس و سقوط صدام و محکومیت عراق در سازمان ملل به‌عنوان آغازگر جنگ با ایران، تاحدودی نفوذ ایران را در منطقه احیا کرد (محمدی، ۱۳۸۵: ۳۹).

دو دهه بعد با وقوع جنگ امریکا علیه حکومت عراق در ۱۹ مارس ۲۰۰۳ و فروپاشی رژیم حزب بعث به رهبری صدام حسین، بار دیگر زمینه افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه به‌وجود آمد و شیعیان عراق توانستند قدرت اصلی را در معادلات امنیتی - سیاسی این کشور به‌دست گیرند. این رویداد، در کنار جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان و رژیم صهیونیستی (۲۰۰۶) که سبب شد حزب‌الله به بازیگری مهم و تأثیرگذار در سطح منطقه تبدیل شود به گسترش دامنه نفوذ و تأثیرگذاری ایران در تحولات منطقه غرب آسیا بیش از پیش کمک کرد. این مسئله سبب شد تا غرب از یک‌سو و دولت‌های محافظه‌کار منطقه از سوی دیگر، از پیدایش نوعی «هلال شیعی» مؤثر در منطقه اظهار نگرانی کنند.

هلال شیعی اصطلاحی است با سابقه آکادمیک در ادبیات آلمانی که نخستین بار ملک عبدالله دوم پادشاه اردن در دسامبر سال ۲۰۰۴ در گفت‌وگو با روزنامه واشنگتن‌پست هنگام دیدار از امریکا در حوزه مباحث راهبردی منطقه مطرح کرد. کاربرد این واژه، هم‌زمان با به حکومت رسیدن شیعیان در عراق، تکمیل‌کننده هلالی از حوزه‌های نفوذ شیعی بود که کشورهای لبنان، سوریه، عراق، ایران، پاکستان و افغانستان را در بر می‌گرفت. این موضوع ناظر به گسترش حوزه نفوذ شیعیان، نه‌تنها در ایران و لبنان بلکه در تمام کشورهایایی بود که در آنها جمعیت شیعه‌مذهب وجود دارد.

نگرانی از گسترش نفوذ انقلاب اسلامی در منطقه با شکل‌گیری موج بیداری اسلامی در برخی از کشورهای عربی در سال ۲۰۱۱ تشدید شد. بسیاری از این کشورها که استبداد داخلی و وابستگی به قدرت‌های خارجی مهم‌ترین ویژگی سیاسی حکومت‌هایشان بود با شکل‌گیری این موج و سقوط چند دیکتاتور بزرگ منطقه، از گسترش نفوذ انقلاب اسلامی در کشورهایشان به‌وحشت افتادند. آنها شکل‌گیری و تشدید ناراضی‌های مردمی را به ایران نسبت دادند و در راستای گسترش نفوذ ایران تفسیر کردند. چرا که شیعیان یکی از محورهای اصلی این ناراضی‌ها بودند و بسیاری از شعارهایی که در این اجتماعات مطرح می‌شد با الهام از انقلاب اسلامی بود.

تأکید انقلابیون بر تحقق نوع خاصی از دموکراسی متعهد به ارزش‌های دینی که در ایران از آن به‌عنوان مردم‌سالاری دینی یاد می‌شود، نشان می‌دهد که الگوی حکومتی ایران پس از انقلاب اسلامی الهام‌بخش بسیاری از تحولات بود. منازعات عقیدتی اسلامی - سیاسی کشورهای اسلامی در این دوره سبب شکل‌گیری سه‌گفتمان مهم در جهان اسلام



شد. اسلام سلفی به رهبری عربستان، اسلام سکولار به رهبری ترکیه و اسلام انقلابی به رهبری جمهوری اسلامی ایران (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۶۵).

در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت که سه حادثه بزرگ سبب نفوذ بیشتر انقلاب اسلامی در کشورهای اسلامی شد: گرایش به الگوی مردم‌سالاری دینی در چارچوب موج بیداری اسلامی یا بهار عربی به‌ویژه در یمن و قدرت‌گرفتن انصارالله، سقوط صدام در عراق و پیروزی حزب‌الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه با رژیم صهیونیستی.

در حال حاضر نیز با وجود تداوم این رویارویی در عرصه‌های فکری (رویاریویی گفتمان اسلام تکفیری با اسلام انقلابی)، سیاسی (رویاریویی ایران و عربستان در مسائل منطقه و نظام بین‌الملل) و نظامی (حمله عربستان و متحدانش به یمن) به‌نظر می‌رسد موضوع نفوذ انقلاب اسلامی و افزایش عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران در منطقه از جمله مسائل مهمی است که می‌تواند وضعیت حال و آینده منطقه را رقم بزند.

گسترش نگرانی‌ها مبنی بر قدرت‌یابی انصارالله در یمن و گسترش نفوذ ایران در شبه جزیره عربی به هراس عربستان و هم‌پیمانانش و تجاوز نظامی آنها به یمن به‌عنوان جنگ نیابتی برای رویاریویی با ایران منجر شد. در عملیات نظامی عربستان در یمن که از ۲۵ مارس ۲۰۱۵ آغاز شد، می‌توان نشانه‌هایی از چندجانبه‌گرایی راهبردی علیه انصارالله را دید. ملک سلمان در حمله به یمن همان اقدامی را انجام داد که چهار سال قبل ملک عبدالله در رویاریویی با شیعیان بحرین انجام داد.

بحران یمن نشان داد که آمریکا از طریق عربستان به گسترش جنگ‌های نیابتی در منطقه مبادرت کرده است. هرگاه بحران‌های امنیتی در مناطق ژئوپولیتیک گسترش یابد زمینه رویاریویی بازیگرانی را ایجاد می‌کند که هر یک تلاش دارند تا بر معادله قدرت و سیاست‌های منطقه‌ای تأثیرگذار باشند. به اعتقاد برخی کارشناسان، یمن بخشی از فضای ژئوپولیتیک راهبردی جبهه مقاومت به‌شمار می‌رود. تنگه باب‌المنندب به لحاظ ژئوپولیتیک از اهمیت راهبردی برخوردار است و اگر کشوری بتواند در شرایط منازعه بر چندین تنگه منطقه‌ای کنترل داشته باشد در تراز یابی راهبردی قدرت، موقعیت مناسب‌تری را به‌دست می‌آورد.

### محیط‌شناسی کشور یمن

یمن در بخش شمال غربی و شمال شرقی (باب‌المنندب) قرار گرفته است. این تنگه بین دریای سرخ و اقیانوس هند واقع شده و نزدیک‌ترین آبراه بین شرق و غرب است. این کشور یکی از نقاط حساس راهبردی مورد نظر شرق و غرب است. یمن با تسلط بر تنگه باب‌المنندب می‌تواند دریای سرخ را کنترل کند و حتی با دارا بودن جزیره مهم و راهبردی

بریم می‌تواند این تنگه را ببندد. به‌طور کلی، با توجه به موقعیت راهبردی جزایر از آنها می‌توان برای مقاصد نظامی و کنترل کشتیرانی در دریای سرخ استفاده کرد (کوشکی و نجابت، ۱۳۹۵: ۷۵). این کشور ۲۰ استان (محافظه) بدون احتساب ناحیه مستقل صنعا، ۳۳۳ منطقه (مدیریه)، ۲۲۱۰ بخش و ۳۸۲۸۴ روستا دارد (ram, 2015: 19).

طبق آمارهای سال ۲۰۱۵م جمعیت یمن بیش از ۲۶ میلیون نفر است. گروه‌های قومی در یمن بیشتر از اقوام سامی و عرب قحطانی و میزان کمی نیز آفریقایی - عربی و... هستند (امیرعبداللهیان، ۱۳۹۲: ۱۷۱). مردم قسمت‌های شمالی یمن همه عرب هستند. در بخش‌های جنوبی اقلیت‌هایی از هندوستان، پاکستان، سومالی، اریتره و اتیوپی که به این کشور مهاجرت کرده‌اند، زندگی می‌کنند (کرملو، ۱۳۹۳: ۱۹).

بیشتر مردم یمن مسلمان، و اقلیت محدودی نیز مسیحی، یهودی و پیروان آئین هندو هستند. در میان مسلمانان ۵۵ درصد اهل تسنن با گرایش بیشتر شافعی و ۴۵ درصد شیعیان با گرایش بیشتر زیدیه هستند. شیعیان زیدیه بیشتر در مناطق کوهستانی شمال و شمال غربی مانند صعده، و شافعی‌ها بیشتر در بخش‌های جنوب و جنوب شرقی مانند عدن، زندگی می‌کنند (صفوی، ۱۳۹۳: ۷۲۳).

در زمان ریاست جمهوری علی عبدالله صالح شکاف‌های مذهبی و اجتماعی در یمن به‌شدت افزایش یافت و عربستان با تأسیس مدارس مذهبی، تفکر وهابیت و مخالفت با شیعیان را در این کشور ترویج داد. شکاف بین جنوبی‌ها و شمالی‌ها که ریشه تاریخی داشته و به دوران قبل اتحاد یمن شمالی و یمن جنوبی بر می‌گشت، با سیاست‌های تبعیض‌آمیز صالح بیشتر شد و جنوبی‌ها احساس می‌کردند که مورد ظلم واقع شده‌اند. در سال‌های شکل‌گیری جنبش انصارالله هم‌زمان حرکت‌هایی از طرف جنوبی‌ها در مقابل دولت مرکزی صالح شکل گرفت و به‌نوعی شیعیان و مردم جنوب یمن را در کنار هم بدون هیچ پیمانی مقابل دولت صالح قرار داد.

وابستگی به قبیله و نسب در یمن بسیار اهمیت دارد و هویت‌سازی مشترک در یمن را دچار مشکل کرده است. کشور یمن سرزمین قبیله‌ها است. قبایل در طول تاریخ یمن نقش کلیدی دارند و جریان‌ات سیاسی به همین دلیل به‌دنبال کسب همراهی قبایل با خود هستند. اصلی‌ترین قبایل یمنی «حاشد» و «بکیل» هستند. بزرگ قبیله شیخ نام دارد و بزرگ اتحادیه قبیله‌ای، شیخ المشایخ است. قبایل یمنی عمدتاً کم‌تحرک و یکجا نشین هستند. بیشتر قبایل به انواع سلاح‌های سبک و سنگین مسلح هستند (rabi, 2015: 20).

یمن تاریخ کهنی دارد و پس از بعثت پیامبر اسلام (ص) یمنی‌ها به‌تدریج به دین اسلام گرویدند. حضرت علی (ع) به دستور پیامبر (ص) برای دعوت مردم یمن به این سرزمین سفر





کردند. یمنی‌های یکی از افتخارات خود را گرویدن به اسلام بدون جنگ و خونریزی آن‌هم به‌دست حضرت امیرالمومنین (ع) می‌دانند (صفوی، ۱۳۹۳: ۶۹۳). با نگاهی گذرا به تاریخ یمن می‌توان دریافت که یمنی‌ها به‌عنوان بازویی قدرتمند در فتوحات اسلامی نقش‌آفرینی کردند (Aziz, 2011: 8).

در سال‌های اولیه ورود اسلام، بنی‌امیه با انتصاب برخی حاکمان تاحدودی در یمن نفوذ پیدا کردند؛ ولی درنهایت شکست خوردند (سال ۱۲۶ هجری قمری). از آن به بعد پایدارترین حکومت در یمن تا دوران معاصر حکومت امامان زیدی بوده است. یحیی‌بن‌الحسین، اولین امام زیدی در سال ۲۸۰ قمری وارد یمن شد و در سال ۲۸۴ قمری تأسیس حکومت امامان زیدی به‌دست او نقطه عطفی در تاریخ این کشور به‌شمار می‌رود. از آن زمان مذهب زیدی در بیشتر نقاط یمن نفوذ پیدا کرد. حوزه نفوذ زیدیه که در ابتدا محدود به صعده و نجران بود، پس از یحیی‌بن‌الحسین به بیشتر قسمت‌های شمالی یمن گسترش یافت (خضیری، ۱۳۹: ۱۴۰). حکومت امامان زیدی باوجود فراز و فرودهای بسیار تا یازدهم قرن ادامه پیدا کرد.

سال ۹۱۹ قمری پرتغالی‌ها به جنوب یمن حمله‌ای ناموفق داشتند (ماکرو، ۱۹۸۷: ۲۰). در پی این اتفاق عثمانی‌ها به بهانه حراست از مکه و مدینه در مقابل تهاجمات بعدی پرتغالی‌ها یمن را به تصرف خود در آوردند و بر تمام یمن به جز کوه‌های شمالی سیطره یافتند. این اقدام سبب شد تا حوزه نفوذ حکومت امامان زیدی به‌شدت محدود و در چند دهه یمن به حوزه نفوذ عثمانی تبدیل شود. در سال ۱۶۳۶ میلادی زیدی‌ها توانستند عثمانی‌ها را از یمن بیرون کنند؛ ولی درنهایت به‌دلیل اینکه سامانه امامت زیدیه برای انتخاب جانشین الگوی کارآمد نداشت و جامعه بعد از هر امام دچار هرج‌ومرج می‌شد در سال ۱۸۳۳ میلادی دوباره عثمانی‌ها موفق به تسلط بر بخشی از یمن شدند و سواحل یمن از حوزه نفوذ زیدیه خارج شد. در سال ۱۸۳۵ میلادی با کم‌شدن دامنه نفوذ حکومت زیدیه و ترور برخی از امامان آن‌ها، یمن دچار بی‌ثباتی شد. درنهایت، پس از سال ۱۸۴۹ میلادی حکومت امامان زیدیه وارد مرحله‌ای از بی‌ثباتی شد که برای چند دهه ادامه پیدا کرد (Farah, 2002: 17).

انگلستان در سال ۱۸۳۹ میلادی برای دسترسی آسان به هندوستان به‌عنوان مستعمره خود به بهانه خدمت‌رسانی به کشتی‌های تجاری، در جنوب یمن به‌ویژه عدن مستقر شد (شولز، ۱۳۹۱: ۲۳۹). نیروی نظامی انگلستان به بهانه درگیری نیروهای بومی جنوب یمن با کشتی‌های تجاری انگلیس، به اشغال نظامی عدن اقدام کردند و این اشغال تا بیش از یک قرن ادامه پیدا کرد (قادری، ۱۳۸۷: ۲۳۶).

عثمانی‌ها که نگران توسعه نفوذ انگلستان از هند تا باب‌المنذب شدند، در سال ۱۸۴۹ به سواحل یمن برگشتند (العمری، ۲۰۱۱: ۱۶). پس شکست عثمانی در اجرای طرح‌های خود، به‌ویژه سکولاریزه کردن جامعه یمن و قدرت‌یابی خاندان حمیدالدین در یمن در سال ۱۹۱۸م عثمانی‌ها در معاهده‌ای به خروج از یمن مجبور شدند. امام یحیی حمیدالدین از سال ۱۹۱۱ به‌عنوان حاکم بلامنازع در قسمت‌های شمالی یمن شناخته شد و پس از خروج عثمانی‌ها از یمن در پی احیای حکومت امامان زیدیه برآمد و تسلط بر مناطق جنوبی و شرقی را در دستور کار خود قرار داد (المسعودی، ۱۹۹۲: ۷۰).

خاندان حمیدالدین پس از غلبه بر انگلیسی‌ها و عثمانی‌ها به مدت ۷۵ سال بر یمن حکومت کردند و در سال ۱۹۶۲ با مرگ احمدین یحیی (پادشاه) کار سلسله حمیدالدین در یمن خاتمه یافت. با شروع حکومت عبدالناصر در مصر، موج سرنگونی حکومت‌های پادشاهی و گرایش به جمهوری به یمن رسید و با کودتای تعدادی از نظامیان یمنی با حمایت مصر حکومت امامان زیدی سقوط کرد و نظام سیاسی یمن به جمهوری عربی تغییر نام و ماهیت داد. درنهایت با جنگ میان حامیان سلطنت‌طلبان با کمک عربستان و جمهوری خواهان با کمک مصر که تا اواخر دهه ۶۰ میلادی طول کشید، یمن به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شد (قادری، ۱۳۸۷: ۲۱۲). یمن جنوبی تحت حاکمیت جریان‌های چپ و مارکسیستی قرار گرفت و یمن شمالی متحد غرب و کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس شد. در این میان شیعیان زیدی اقتدار گذشته خود را از دست دادند و به مناطق شمالی یمن محدود شدند.

انگلستان در سال ۱۹۵۸ میلادی یمن جنوبی را تحت‌الحمایه خود قرارداد. درنهایت، با حمایت مصر علیه انگلستان، در یمن جنوبی انقلاب سوسیالیستی صورت گرفت و سرانجام در نوامبر ۱۹۶۷ میلادی به استقلال یمن جنوبی از انگلستان منجر شد. تا سال ۱۹۹۰ دو یمن در عرصه جهانی حضور داشتند. یکی یمن شمالی که در آن جمهوری اعلام شده بود و عربستان از آن حمایت می‌کرد و دیگری یمن جنوبی که مورد حمایت بلوک شرق بود (شیخ حسینی، ۱۳۹۴: ۲۱۶). در سال ۱۹۸۷ سرهنگ علی عبدالله صالح در یمن شمالی به قدرت رسید و دولت یمن جنوبی را به دلیل دخالت در ترور رئیس‌جمهور قبلی این کشور و تلاش برای صدور انقلاب به شمال، متهم و روابط خود را با آن قطع کرد.

یمن جنوبی با به‌قدرت رسیدن علی سالم البیض به‌سمت وحدت با یمن شمالی رفت. از سال ۱۹۸۰ به‌منظور رسیدن به وحدت توافق‌نامه‌های متعددی بین دو یمن بسته شد. افول قدرت اتحاد جماهیر شوروی، یمن جنوبی را تحت تأثیر قرار داد و اقتصاد این کشور را متلاشی کرد. در دسامبر ۱۹۸۹ مقامات دو کشور برای رسیدن به وحدت تفاهم کردند



(بوش و احتشامی، ۱۳۹۰: ۴۸۱). سرانجام با تصویب نمایندگان دو کشور در ۲۲ می ۱۹۹۰ اتحاد دو کشور عملی شد و نام جمهوری یمن با پایتختی سیاسی صنعا و اقتصادی عدن مشخص شد. علی عبدالله صالح به‌عنوان رئیس‌جمهور و معاون آن علی سالم البیض و نخست‌وزیری العطاس از جنوب مشخص شدند (کریملو، ۱۳۹۳: ۷۴). روش‌های دموکراتیک مانند انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی، تأسیس احزاب و... پس از اتحاد دو یمن به رسمیت شناخته شد. اما علی عبدالله صالح و شرکای او در قدرت، از همین فضا سوء استفاده کردند و قدرت را به نفع خود قبضه کردند (صادقی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۲۸۵).

فرایند وحدت دو یمن با توجه به اقتضائات خاص آن طی نشد و لوازم آن به‌طور کامل فراهم نشد. این عامل در کنار انحصارطلبی علی عبدالله صالح و اختلاف در مورد جنگ اول خلیج فارس زمینه شکاف میان شمال و جنوب را فراهم کرد و به جنگ‌های خونین در سال ۱۹۹۴ منجر شد (شولز، ۱۳۹۱: ۶۷). درنهایت پس از چند ماه، جنگ با سرکوب جنوبی‌ها تمام شد و اتحاد دو یمن پابرجا ماند. علی عبدالله صالح بعد از جنگ انحصار قدرت را در دست گرفت و دیکتاتوری خود را گسترش داد و میل استقلال‌طلبی جنوبی‌ها را افزایش داد (Etheredge, 2011: 132).

رژیم صالح با تشکیل هرگونه سازمان مدنی یا اجتماع مردمی جلوگیری می‌کرد. نتیجه تمام این اتفاقات نیز تمرکز قدرت در دستان رئیس‌جمهور بود (فیروزآبادی و محسنی، ۱۳۹۱: ۱۰۵). علی عبدالله صالح با حمایت مجلسی که در اختیارش بود با تصویب قانون مادام‌العمر کردن ریاست جمهوری به قدرت خود مشروعیت داد و با اجازه دادن به عربستان برای فعالیت علیه شیعیان و سرکوب حوثی‌ها دیکتاتوری خود را به اوج رساند.

حوثی‌های شیعی، اخوان‌المسلمین، قبایل، القاعده سنی و اعضا و طرفداران حزبی و غیر حزبی آنها بازیگران مهم داخلی در قیام مردم یمن علیه صالح بودند. این گروه‌های مخالف تحت نام لقاء یا گردهمایی مشترک، خواهان سقوط دولت و حزب حاکم شدند. در آن زمان هم یمن شمالی که بر اسلام سنتی سیاسی متکی بود و نماینده‌اش برخی قبایل قدرتمند مسلمان بودند و انصارالله میدان‌دار بود، معترض هیئت حاکم بودند و هم یمن جنوبی و القاعده، دولت عبدالله صالح را به چالش کشیدند. سطح و عمق این چالش، پس از آغاز قیام مردم یمن گسترش یافت. ساکنان جنوب یمن معتقد بودند که دولت، فقر را بر آنها تحمیل کرده و در برابر همه چیزهایی که از آنها گرفته، چیزی به آنان نداده است. پس از اوج‌گیری بیداری اسلامی در منطقه غرب آسیا و تضعیف پایه‌های قدرت علی عبدالله صالح و اعتراضات شدید مردمی وی به کنارگیری از قدرت مجبور شد. درنهایت منصور هادی معاون وی به‌عنوان رئیس‌جمهور قدرت را به‌دست گرفت.

ناخرسندی مردم از کاهش یارانه‌ها و ناکارآمدی مسئولین دولتی در اجرای صحیح این اقدام به گرانی سرسام‌آور در یمن منجر شد. جنگ داخلی، تنش سیاسی، افشاگری احزاب علیه یکدیگر (با هدف قبضه‌کردن کامل قدرت در دست خود)، اشتباهات بسیار بزرگ و غیر قابل اغماض برخی جریان‌های اسلام‌گرا (از جمله اخوان‌المسلمین در چگونگی مدیریت)، احساسات مردم و سوق‌دادن آنها به سوی اندیشه‌های جنگ مذهبی (که به گسترش نفوذ گروه‌های تکفیری در این کشور منجر شد) و ناامیدی از شعارهایی که دولت وفاق ملی منصور هادی بعد از سرنگونی علی عبدالله صالح داده بود، همگی دست به‌دست هم داد تا سید عبدالملک الحوثی رهبر انصارالله با سه شعار محوری برچیدن طرح حذف یارانه‌ها، تغییر کابینه و اجرایی‌شدن واقعی توافق‌نامه گفت‌وگوهای ملی، گروه زیادی از مردم را که بسیاری از آنها زیدی و حوثی هم نبودند با خود همراه کند و به آسان‌ترین شکل ممکن به صنعاء وارد، و منصور هادی مجبور به فرار شود.

گسترش نگرانی‌ها مبنی بر قدرت‌یابی انصارالله در یمن و گسترش نفوذ ایران در شبه جزیره عربی به هراس عربستان و هم‌پیمانانش، و تجاوز نظامی آنها به یمن به‌عنوان جنگ نیابتی برای مقابله با ایران منجر شد (فیروز کلائی، ۱۳۹۴: ۲۱). در عملیات نظامی عربستان در یمن که از ۲۵ مارس ۲۰۱۵م آغاز شد، می‌توان نشانه‌هایی از چندجانبه‌گرایی راهبردی علیه انصارالله مشاهده کرد. ملک سلمان در حمله به یمن همان اقدامی را انجام داد که چهار سال قبل ملک عبدالله در رویارویی با شیعیان بحرین انجام داد. الگوی راهبردی عربستان رویارویی پرشدت در برابر تهدیدهای کم‌دامنه است. ادامه بحران به‌گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر به نقش‌یابی بازیگران منطقه‌ای و تشدید بحران در یمن منجر شده است (Barakat, 2015: 3). پس از حمله عربستان به یمن، جنبش انصارالله در مبارزه با یکی از دشمنان دیرینه نفوذ گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه نقش محوری پیدا کرده است.

### آینده‌پژوهی و روش تحلیل آثار متقاطع متوازن<sup>۱</sup> در آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی شامل مجموعه تلاش‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و یا ثبات، به تجسم ایده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آنها می‌پردازد. آینده‌پژوهی منعکس می‌کند که چگونه از دل تغییرات «امروز»، واقعیت «فردا» تولد می‌یابد. آینده‌اندیشی<sup>۲</sup>، آینده‌پژوهی<sup>۳</sup>، آینده‌نگاری<sup>۴</sup> و آینده‌شناسی<sup>۵</sup> واژه‌هایی هستند که به

1. Cross-impact balance analysis
2. Futures
3. Futures Studies
4. Foresight
5. Futurology



حوزه دانش فناوری<sup>۱</sup> جدیدی اشاره دارد که به شناخت، تحلیل، ساخت، شکل‌دهی و برنامه‌ریزی آینده می‌پردازد (Bell, 2003: 131).

آینده‌پژوهی، اصول و روش‌های مطالعه و سپس تصمیم‌گیری، طرح‌ریزی و اقدام در زمینه علوم و فناوری مرتبط با آینده است. آینده‌پژوهی، تفکرات فلسفی و روش‌های علمی و الگوهای مختلف بررسی و مطالعه آینده را مطرح و با استفاده از آنها، آینده‌های بدیل و احتمالی را ترسیم می‌کند؛ لذا، آینده‌پژوهی ابزاری برای معماری و مهندسی هوشمندانه آینده است.

در متون آینده‌اندیشی، پیشران‌ها به نیروهای عمده شکل‌دهنده آینده جهان اشاره می‌کنند. بدیهی است پیشران‌ها غیر مستقیم بر حوزه‌های مختلف تأثیرگذارند. به عبارت دیگر، پیشران‌ها، مؤلفه‌ها یا عوامل اصلی متشکل از چند روند هستند که سبب ایجاد تغییر در حوزه مورد مطالعه می‌شوند.

نیروهای پیشران یا متغیرها مفاهیمی غیر ثابت و تغییرپذیر هستند که تک‌تک اعضای نمونه تحقیق وضعیت یا حالت خاصی از آن را می‌گیرند. به این معنی که همگی اعضا یا موارد نمونه از وضعیت یکسان و مشابهی از آن جهت برخوردار نباشند.

اگر نیروها و عوامل درست تشخیص داده شود و ارزیابی شود، کار پیش‌بینی به‌سامان است، حتی اگر پیش‌بینی‌ها درست هم از کار در نیاید. چرا که اصل و مبنای کار درست بوده است (حاجیان، ۱۳۹۰: ۲۱۷).

به بیان دیگر نیروهای پیشران مؤلفه‌های سازنده آینده هستند که آینده را احتمالاً می‌سازند. پیشران‌ها الزاماً سبب تقویت همدیگر نمی‌شوند و ممکن است دارای تأثیرات متضاد و خنثی‌کننده یکدیگر باشند. پیشران این توان را دارد که صحنه را با تحولی اساسی روبه‌رو سازد. در واقع، منظور از پیشران هر چیزی است که صحنه و محیط کلان را متحول کرده و تغییر می‌دهد (پدارم، ۱۳۹۴: ۲۶).

بعد از رویکرد اثبات‌گرایی که بر توان پیش‌بینی نظریه‌ها برای توصیف و تبیین امور طبیعی تأکید زیادی داشت، نقش اراده آدمی در حوزه‌های آینده مورد توجه قرار گرفت. تغییری که شناخت آینده را به‌طور ذاتی غیرممکن می‌کرد. به این ترتیب، رویکرد جدیدی در آینده‌پژوهی شکل گرفت که فرض‌های جدیدی را مبنای شناخت آینده می‌کرد. در این رویکرد، یک آینده وجود ندارد، بلکه آینده‌های بدیلی وجود دارد که هر یک از آنها می‌تواند به‌وقوع بپیوندد. به‌دنبال آن برای لحاظ‌کردن احتمال وقوع آینده‌های بدیل، احتمالات نیز مورد توجه قرار گرفت. از مزایای این رویکرد، قرار گرفتن گزینه‌های گوناگون فراروی بشر

است که می‌تواند با اراده خود برای رسیدن به گزینه‌های منتخب تلاش کند. در این رویکرد، براساس دسته‌بندی که وروس پیشنهاد داد، آینده‌ها به چهار دسته آینده‌های ممکن، محتمل، باورپذیر و مرجح یا مطلوب تقسیم می‌شود (علیزاده و همکاران، ۱۳۸۵).

سناریوها به‌مثابه ابزاری برای درکی از آینده، آینده‌های بدیل را تشریح می‌کند. فکر اصلی سناریو این است که بذرها و جوانه‌های آینده در زمان حال وجود دارد، البته اگر ما آنها را درست و به‌موقع شناسایی کنیم؛ بنابراین چالش اصلی در تدوین سناریو، شناخت بذر تحولات، تفسیر اهمیت و پیش‌نگری مضمونهای مرتبط با آینده آنها است. به کمک تصمیم‌گیری برای آینده‌های بدیل و آزمون راهبردهای پیشنهادی در شرایط مختلفی که سناریوها معرفی می‌کند، برای رویارویی با نبود قطعیت‌های آینده آمادگی بیشتری به‌دست می‌آوریم. تعاریف مختلفی از سناریو در فهرست زیر آورده شده است (علیزاده و همکاران، ۱۳۸۵):

- مایکل پورتو: سناریو دیدگاهی است با سازگاری درونی و محتوایی نسبت به آنچه در آینده می‌تواند رخ دهد.

- پیتر شوارتز: سناریوها ابزاری برای نظم‌دهی به ادراک فرد درباره محیط‌های بدیل آینده است که تصمیم‌های فرد در آن محیط‌ها گرفته خواهد شد.

- گیل رینگلند: سناریوها بخشی از برنامه‌ریزی راهبردی است که به‌عنوان ابزاری برای مدیریت عدم قطعیت‌های آینده استفاده می‌شود.

- میشل گوده و رویلا: سناریوها توصیف موقعیت‌های آینده و رویدادهای ممکن در آن موقعیت‌ها است؛ به‌گونه‌ای که شخص بتواند خود را از موقعیت کنونی به‌سمت آینده‌های بدیل حرکت دهد. سناریوها شیوه‌ای هستند که نتایج پیش‌بینی‌ها را به‌صورت منسجم و متقاعدکننده ارائه می‌کنند.

- پیرواک: سناریوها برای ساختاردهی به نبود قطعیت‌های آینده به مدیران کمک می‌کنند.

- وارفیلد: سناریو داستانی از وضعیت‌ها، امور و پیشرفت‌های ممکن در گستره زمان آینده است.

در ادبیات سناریو و به‌کارگیری واژگان مرتبط باید به تفاوت‌های جزئی و مهم زیر توجه کرد (بی‌شاپ و همکاران، ۲۰۰۷).

دیدگاه رویال داچ شل و شبکه جهانی کسب و کار<sup>۱</sup> به سناریو: این دیدگاه فراگیر که به کوشش شبکه جهانی کسب و کار به‌کار گرفته شد، حاصل کاربست فناوری سناریو



ازسوی شرکت شل بود. جی. بی. ان. با تلاش پیتر شوارتز<sup>۱</sup>، جی اگیلوی<sup>۲</sup>، استوارت برند<sup>۳</sup>، لاورنس ویکینسون<sup>۴</sup> و ناپییر کالینز بنیان نهاده شد. در آغاز، پییر واک در سال‌های آغازین دهه شصت، کاربست مفاهیم کان را آغاز و با اصلاح و بهبود این مفاهیم، چارچوبی ویژه را پدید آورد که ابتدا بر تصویری کلی و سپس بر مسائل جزئی تأکید داشت. واک معتقد بود که توجه به جزئیات در آغاز کار، موجب از دست دادن ابعاد حیاتی فرایند ساخت خواهد شد. شوارتز سرپرستی بخش برنامه‌ریزی شل را به‌عهده گرفت و سرانجام شبکه جهانی کسب و کار را با تنی چند از همکاران خود بنیان گذاشت که خدمات راهبردی گوناگونی را در سراسر جهان عرضه می‌کردند. شوارتز برداشتی کلی و مفهومی از فرایند سناریوسازی را در کتاب هنر دورنگری<sup>۵</sup> فراهم می‌کند. در شبکه جهانی کسب و کار شبکه‌ای از «افراد برجسته»<sup>۶</sup> وجود داشت که نخستین‌بار به کوشش واک و با هدف به‌چالش کشیدن تغییر تفکر و پیش‌فرض‌های تصمیم‌گیران در رویال داچ شل به‌کار گرفته شد.

مرحله نخست، شناسایی موضوع یا تصمیم اصلی است. سناریوها پیرامون موضوعی کانونی ساخته می‌شود که به‌سوی محیط بیرونی گرایش دارد. سناریوهایی که در آغاز بر موضوعات محیط بیرونی مانند رشد زیاد در مقابل رشد کم استوار است، شاید نتواند اطلاعات خاص شرکت را که بر چگونگی عملکرد سازمان در رویارویی با چنین مسائلی تأثیرگذار است، در مسیر درست هدایت کند. بهترین روش پذیرفته‌شده، این است که ابتدا تصمیم‌گیران در گفت‌وگویی با هدف آشکارسازی فرضیات و دغدغه‌های جاری درباره محیط بیرونی و چگونگی دستاوردهای آنها، شرکت داده شوند.

مرحله دوم، شناسایی و مطالعه نیروهای کلیدی در محیط است. موضوعی که پس از تمرکز بر یک مقوله با پرسش مهم، کاری منطقی است. مرحله دوم عواملی را بررسی می‌کند که بر موفقیت یا شکست تصمیم یا موضوع شناسایی‌شده در مرحله نخست مؤثر هستند. سناریوها باید با این هدف توسعه یابند که روشنگر موضوع یا پرسش مورد نظر باشند. تحلیل‌های محیط درونی و نقاط ضعف و قوت آن، اغلب در این مرحله و به‌عنوان راهی برای شناسایی پویایی‌های درونی و برای کمک به پیشبرد یا توقف توسعه راهبرد انجام می‌شود.

- 
1. Peter Schwartz
  2. Jey Ogilvy
  3. Stewart Brand
  4. Lawrence Wilkinso
  5. The Art of the long View
  6. Remarkable People

پس از شناسایی عوامل کلیدی، مرحله سوم با کاربست ذهن‌انگیزی<sup>۱</sup> برای یافتن نیروهای پیشران<sup>۲</sup> در کلان محیط<sup>۳</sup> آغاز می‌شود. این پیشران‌ها شامل عوامل سیاسی، اقتصادی، فناورانه، زیست محیطی و اجتماعی است. همچنین می‌توان نیروهای پیشران را به‌مثابه نیروهایی در پشت عوامل کلیدی مرحله دوم در نظر گرفت که بر این عوامل کلیدی تأثیرگذار هستند (شوارتز، ۱۹۹۱).

مرحله چهارم در بردارنده رتبه‌بندی عوامل کلیدی (از مرحله دوم) و نیروهای پیشران (از مرحله سوم) بر مبنای دو معیار است: ۱. میزان اهمیت برای موفقیت ۲. میزان نبود قطعیت<sup>۴</sup> خود این نیروها. «سناریوها نمی‌توانند از نظر عناصر پیش معین<sup>۵</sup> متفاوت باشند؛ زیرا عناصر پیش معین ناگزیرند در تمامی سناریوها یکسان باشند» (شوارتز، ۱۹۹۱: ۱۶۷). نتایج فعالیت رتبه‌بندی، جداسازی نیروهای کم‌شمار مهم از نیروهای بی‌اهمیت پرشماری است که در محیط نقش دارند.

یکی از روش‌های توسعه مسیر روایت‌های متمایز، شناسایی دو محوری است که در امتداد آنها، سناریوهای نهایی متفاوت خواهند بود. روش دیگر، خلق روایت‌هایی است که صرفاً می‌توان آنها را در درون نیروهای پیشران کلیدی جای داد. در این روش نیز هدف از روایت‌ها، روشن‌گری درباره موضوع یا پرسش مدنظر است.

مرحله پنجم در بردارنده توسعه و گزینش منطق کلی سناریو بر اساس ماتریس حاصل از فعالیت رتبه‌بندی (وزن‌دهی) است. منطق هر سناریوی خاص با جایگاه آن در ماتریس مشخص خواهد شد. «این کار بیشتر شبیه بازی با مجموعه‌ای از موضوعات است؛ تا زمانی که در گیرودار این بازی، شما آنها را دوباره شکل بدهید و گروه‌بندی کنید؛ به‌گونه‌ای که منطق خاصی پدیدار شود و امکان نقل و روایتی تازه فراهم شود» (شوارتز، ۱۹۹۱: ۱۷۲).

مرحله ششم، زمان شکل‌گیری و توسعه سناریو است که به مراحل ۲ و ۳ باز می‌گردد. در این مرحله، هر عامل کلیدی<sup>۶</sup> و هر نیروی پیشرانی<sup>۷</sup> در کانون توجه قرار می‌گیرد و در چارچوب ماتریس خلق‌شده در منطق سناریوی مرحله چهارم دستکاری می‌شود. باورپذیری<sup>۸</sup> باید از این مرحله به بعد پیوسته بررسی شود. برای مثال، «اگر دو سناریوی متفاوت از نظر سیاست‌های حمایت‌گرا و غیرحمایت‌گرا داشته باشیم، حس شهودی به ما

1. Brainstorming
2. Driving forces
3. Macroenvironment
4. Uncertainty
5. Predetermined elements
6. Key Factors
7. Driving forces
8. Plausibility





می‌گوید که نرخ تورم زیادی در سناریوی حمایت‌گرا و نرخ تورم کمتری در سناریوی غیرحمایت‌گرا در نظر گرفته شود» (شوارتز، ۱۹۹۱: ۱۷۸).

مرحله هفتم مضمونهای سناریوهای توسعه‌یافته را بررسی می‌کند. موضوع یا تصمیم اولیه از راه سناریوها در معرض آزمون «تونل باد» قرار می‌گیرد. پایداری هر سناریو باید از راه طرح پرسش‌هایی از این دست آزموده شود: اگر این سناریو واقعیت یابد، چه خواهیم کرد؟ آیا تصمیم‌گیری مورد نظر، تنها بر پایه یک یا دو سناریو، صحیح است؟ چه ضعف‌هایی آشکار شده‌اند؟ آیا یک سناریوی ویژه، مستلزم راهبردی با مخاطره زیاد است؟ مرحله پایانی، زمان انتخاب «پیش‌نشانگرها»<sup>۱</sup> برای دلالت بر این مسئله است که شاید رویدادهای واقعی بر پایه یک سناریوی خلق‌شده روی دهد. پس از خلق سناریوها، صرف وقت برای انتخاب نشانگرها ارزش خواهد داشت؛ شاخص‌هایی که برنامه‌ریزان را در پیش جریان رویدادها و چگونگی تأثیر احتمالی آنها بر سازمان یاری خواهند کرد.

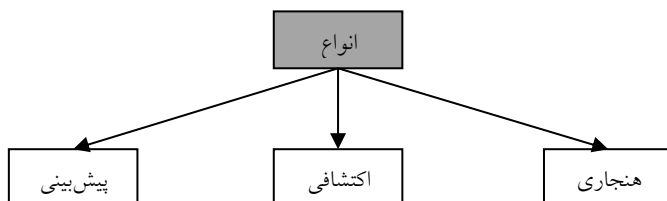
در دسته‌بندی فنون سناریونویسی، پروجسن و همکاران سه دسته را مطرح کردند: دسته پیش‌بینی‌کننده در پاسخ به سؤال «چه اتفاق خواهد افتاد؟» دسته اکتشافی در پاسخ به پرسش «چه چیزی می‌تواند اتفاق بیفتد؟» و دسته هنجاری در پاسخ به پرسش «چگونه می‌توان به هدفی خاص رسید؟»، فنون را به کار می‌گیرند. در این پژوهش از رویکرد اکتشافی استفاده می‌شود.

یکی از رایج‌ترین فنون برای سناریونویسی، شیوه‌ای است که اولین بار پیپر واک در شرکت شیل با نام GBN عرضه کرد و در سال ۱۹۹۱ م به وسیله شوارتز فراگیر شد. در این شیوه که رویکرد ماتریسی دارد، دو متغیر با اهمیت زیاد و قطعیت کمتر مبنای سناریوهای آینده قرار می‌گیرد. با اینکه این فن بسیار کارآمد است؛ اما یکی از فنون مختلفی است که برای سناریونویسی به کار می‌رود. این فنون، بسته به هدف مد نظر و بافت مورد استفاده متفاوت است؛ مانند منطق شهودی، منطق تحلیل تأثیر روند، تحلیل تأثیرات متقاطع (برگذر)، تحلیل بازیگران یا کنشگران (علیزاده و همکاران، ۱۳۸۷). این فنون در مقاله بی‌شاپ، در قالب شش دسته گوناگون طبقه‌بندی شده‌اند. این شش دسته شامل روش‌های قضوتی، آینده مورد انتظار یا مبنایی، بررسی جزئیات با استفاده از سناریوهای ثابت (in Casting)، توالی رویدادها (back casting)، درجه ابهام و نبود قطعیت است (بی‌شاپ و همکاران، ۲۰۰۷).

نرم‌افزار سناریو ویزارد<sup>۲</sup> برای آسان‌سازی پردازش اطلاعات کیفی در طرح‌هایی است که

1. Leaking indicators
2. SenarioWizard

ماهیت میان‌رشته‌ای دارد و نیاز است تا نظر خبرگان که مشخصاً داده‌های کیفی است در طرح‌های آینده‌پژوهی به‌کار گرفته شود. اساس کار این نرم‌افزار بر مبنای تحلیل آثار متقاطع متوازن است. این ماتریس‌ها به‌منظور استخراج نظر خبرگان در مورد تأثیر احتمال وقوع یک حالت از یک توصیف‌گر بر حالتی از توصیف‌گر دیگر در قالب عبارت‌های کلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد و درنهایت با محاسبه تأثیر مستقیم و غیر مستقیم حالت‌ها بر یکدیگر، سناریوهای سازگار پیش روی سامانه مورد مطالعه استخراج می‌شود.



تحلیل آثار متقاطع متوازن، روشی برای تحلیل شبکه‌های تأثیرگذار است. این روش از بینش کیفی درباره روابط بین عوامل یک شبکه تأثیرگذار استفاده می‌کند تا به تصویری سازگار درباره رفتار شبکه دست یابد. تحلیل سناریویی، یکی از کاربردهای معمول این روش است. روش تحلیل آثار متقاطع متوازن مبتنی بر موارد زیر است:

- تحلیلی کیفی و میان‌رشته‌ای

- رویکرد خبرگی برای گردآوری، سازماندهی و داوری درباره سرفصل‌ها

- الگوریتمی برای ارزیابی اطلاعات گردآوری شده برای تحلیل کیفی

مراحل کار با این نرم‌افزار به‌شرح ذیل است:

مرحله اول: در این مرحله پنل خبرگان تشکیل می‌شود. معمولاً در طرح‌های آینده‌نگاری این پنل بین ۱۲ تا ۲۰ عضو دارد که بسته به طرح می‌تواند کمتر یا بیشتر از این تعداد نیز باشد. تشخیص خبرگی افراد برای شرکت در پنل مسئله مهمی است که به مواردی مانند تجربه، سواد، میزان تأثیرگذاری بر طرح و... بستگی دارد.

مرحله دوم: بعد از دعوت از خبرگان به‌منظور شرکت در پنل و تشکیل اولین جلسه، ضمن تشریح کامل اهداف طرح و هدف از تشکیل پنل، در راستای ایجاد جو مناسب همفکری، از اعضا خواسته می‌شود تا مهم‌ترین توصیف‌گرهای مسئله مورد پژوهش را مشخص کنند. به‌طور معمول در هر طرح آینده‌پژوهی بین ۱۰ تا ۲۰ توصیف‌گر شناسایی می‌شود.

مرحله سوم: پس از شناسایی توصیف‌گرها از اعضای پنل خواسته می‌شود تا حالت‌های



احتمالی پیش روی هر توصیف‌گر را در قالب عبارات کلامی مشخص کنند. هر توصیف‌گر می‌تواند چندین حالت احتمالی داشته باشد.

مرحله چهارم: از اعضای پنل خواسته می‌شود تا تأثیر وقوع حالت  $x$  از توصیف‌گر  $X$  را بر روی حالت  $y$  از توصیف‌گر  $Y$  به صورت کلامی بیان کنند. این تأثیر می‌تواند از خیلی زیاد تا بسیار ناچیز در یک طیف قرار بگیرد.

مرحله پنجم: در نهایت تأثیرات شناخته‌شده در مرحله قبل بر یک طیف عددی از ۳ تا ۳- قرار گرفته (اثر شدیداً محدودکننده = ۳-، اثر محدودکننده متوسط = ۲-، اثر محدودکننده ضعیف = ۱- نبود اثرگذاری = ۰، اثر تقویت کننده ضعیف = ۱، اثر تقویت کننده متوسط = ۲، اثر تقویت کننده شدید = ۳)، وارد ماتریس می‌شود. این ماتریس به نرم‌افزار داده شده و خروجی‌های نرم‌افزار تحلیل می‌شود.

پس از کمی‌کردن، تشکیل ماتریس و پردازش داده‌ها به وسیله نرم‌افزار، کار طرح آسانتر خواهد بود. برای مثال اگر در کل ۳ توصیف‌گر داشته باشیم که هر کدام به ترتیب ۳، ۴ و ۲ حالت داشته باشد در نهایت  $۳ * ۴ * ۲ = ۲۴$  سناریوی ممکن خواهیم داشت که نرم‌افزار تعدادی از این سناریوهای ممکن را به عنوان سناریوهای استوار تشخیص خواهد داد. براساس توصیه‌های روش‌شناختی، سناریوها با سازگاری صفر تا حدود ۲ قابل استفاده هستند. در نهایت می‌توان با شناسایی سناریوهای سازگار با آینده‌پژوهی براساس محتمل‌ترین سناریوها نیز اقدام کرد (ناظمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۳ - ۱۴۵).

در این پژوهش از ترکیب روش‌های مرور منابع، پنل خبرگی و تحلیل ماتریس متقاطع استفاده شده است که از روش‌های آینده‌پژوهی است. روش تحلیل آثار متقاطع متوازن با استفاده از نرم‌افزار سناریو ویزارد اجرا شده است.

جامعه آماری تحقیق شامل پژوهشگرانی است که در حوزه یمن فعالیت علمی و پژوهشی دارند و همچنین صاحب‌نظران و کارشناسان شاغل و بازنشسته وزارت امور خارجه، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و دیگر نهادها و مراکز دولتی که در روند فعالیت‌های خود به نوعی از موضوع کشور یمن آگاهی و سابقه اجرایی دارند و دارای مدرک کارشناسی ارشد و بیشتر هستند. با توجه به تعداد محدود خبرگان این حوزه، با روش نمونه‌یابی گلوله برفی، ۲۱ نفر از خبرگان مرتبط با موضوع یمن تا حد اشباع شناسایی شدند.

در این پژوهش ابتدا از طریق مرور اسناد و مصاحبه با خبرگان ۷۸ پیشران آینده یمن مشخص شد. در مرحله بعد با حضور ۱۴ نفر از خبرگان از طریق برگزاری پنل خبرگی، سه پیشران که بیشترین اهمیت و عدم قطعیت (بحرانی/کلیدی) را داشتند و حالات هر کدام مشخص شد. مفاهیم و ادبیات سؤال‌های پرسشنامه در چند نوبت از طریق نشست‌های

مختلف با صاحب‌نظران در قالب گروه متمرکز اصلاح شد. برای ارزیابی ابزار پرسشنامه پژوهش از فرمول آلفای کرونباخ استفاده و مقدار ضریب آلفای کرونباخ،  $0/806$  به‌دست آمد. این مقدار از  $0/7$  بیشتر است و پایایی مناسب پرسشنامه را نشان می‌دهد. از خبرگان خواسته شد با توجه به طیف، نمره‌ها را در جدول تحلیل آثار متقاطع متوازن وارد کنند. پس تحلیل اطلاعات و ورود آن به نرم‌افزار سناریو ویزارد خروجی کار دریافت شد. در جدول ذیل مراحل تدوین سناریو (سناریونویسی) آمده است:

مرحله اول	آشکارسازی و روشن کردن تمرکز اصلی موضوع
مرحله دوم	شناسایی پیشران‌ها و عوامل تأثیرگذار
مرحله سوم	پالایش اولیه عوامل کلیدی و شناسایی نبود قطعیت‌های کلیدی با درجه زیاد نایقینی
مرحله چهارم	شناسایی عوامل کلیدی و مشخص کردن حالت‌های آنها
مرحله پنجم	تحلیل آثار متقاطع متوازن عوامل و حالت‌ها از طریق نرم‌افزار سناریو ویزارد
مرحله ششم	شناسایی سناریوهای سازگار
مرحله هفتم	پربار کردن ویژگی‌های اصلی و توسعه داستان‌ها برای هر کدام از سناریوها
مرحله هشتم	بررسی پایداری سناریوها از طریق قرار دادن سناریوها در معرض آزمون تونل باد
مرحله نهم	مشخص کردن پیش نشانگرها یا علائم تحقق سناریوها
مرحله دهم	اعتبارسنجی و ارزیابی سناریوها

### یافته‌های پژوهش

برای شناسایی عوامل مؤثر بر آینده یمن با مطالعه کتاب‌ها، اسناد، مقالات، مرور پیشینه‌های مرتبط و مصاحبه با بسیاری از کارشناسان این حوزه (از میان صاحب‌نظران و کارشناسان شاغل و بازنشسته وزارت امور خارجه، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و دیگر نهادها و مراکز دولتی که در روند فعالیت‌های علمی - پژوهشی خود از موضوع کشور یمن آگاهی و سابقه اجرایی دارند، ۲۱ نفر انتخاب شد که مدرک کارشناسی ارشد و بیشتر داشتند)، ۱۳۵ پیشران به‌دست آمد. پس از بررسی دقیق و حذف موارد مشابه، ۷۸ پیشران مشخص شد؛ سپس پیشران‌هایی که افق زمانی آن تا ۱۴۰۸ بود، به‌منظور ارزیابی و سنجش به خبرگان ارائه و پس از محاسبه و بررسی نظر خبرگان، سه پیشران مشخص شد که بیشترین اهمیت و عدم قطعیت (بحرانی/ کلیدی) را داشتند. باتوجه به جلسات پنل خبرگان مهم‌ترین بازیگران داخلی و خارجی یمن به‌شرح ذیل مشخص شد:



مهم ترین بازیگران داخلی یمن	مهم ترین بازیگران خارجی یمن
انصارالله، سید عبدالملک الحوثی	عربستان
تجمع احزاب مخالف جنگ عربستان	امارات
حزب کنگره عمومی مؤتمر	امریکا
شورای انتقالی جنوب، هم پیمانان امارات	ایران، حزب الله
القاعده انصار الشریعه	انگلیس
القاعده جزیره العرب	روسیه
منصور هادی، اصلاح، گروه های عربستان	عمان
حراک حسن باعوم (حراک انقلابی)	اتحادیه اروپا
قبایل طرفدار انصارالله	سازمان ملل، شورای امنیت
سازمان های مردم نهاد	صلیب سرخ جهانی

جدول ۱. پیشران های مؤثر بر آینده یمن

ردیف	عنوان پیشران	ردیف	عنوان پیشران
۱	ظهور قدرت جدید جهانی	۴۰	تغییر سطح روابط ایران با عربستان
۲	استقرار نظام چند قطبی در سیاست بین الملل	۴۱	تضعیف وضعیت اقتصادی عربستان
۳	استقرار نظام دو قطبی در سیاست بین الملل	۴۲	افزایش بودجه نظامی عربستان
۴	ظهور چین به عنوان هژمون جدید بین المللی	۴۳	کاهش بهای جهانی نفت
۵	افول امریکا از جایگاه هژمون برتر	۴۴	هزینه های داخلی اقتصاد عربستان ناشی از جنگ
۶	استمرار نظام تک قطبی در سیاست بین الملل	۴۵	افزایش خودآگاهی شیعیان در یمن
۷	ارتقای همگرایی شورای همکاری خلیج فارس بر علیه ایران	۴۶	افزایش تعداد شیعیان دوازده امامی در یمن
۸	بازگشت مداخله جویانه انگلیس به خلیج فارس	۴۷	موفقیت طرح فرهنگی امریکا در یمن
۹	دخالت نظامی امریکا در یمن	۴۸	استحاله و گسل فرهنگی در یمن
۱۰	تمایلات هژمونیک امریکا در منطقه	۴۹	سکولاریزه شدن یمنی ها
۱۱	توان هژمونیک امریکا در منطقه	۵۰	هویت مشترک بین شهروندان یمنی
۱۲	روابط عربستان با رژیم اشغالگر قدس	۵۱	گذر از فرهنگ سنتی به مدرنیته در یمن
۱۳	همگرایی امریکا و امارات	۵۲	رشد اهل تسنن در یمن
۱۴	مواضع قدرت های جهانی نسبت به انصارالله	۵۳	مشکلات بهداشتی در یمن
۱۵	اختلافات بین امریکا و عربستان	۵۴	کاهش عرق ملی در یمن

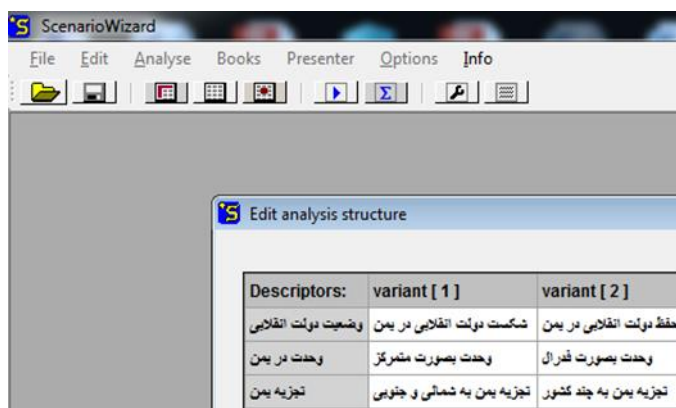
۱۶	قدرت ناتوی عربی	۵۵	نفوذ اجتماعی تفکر اشتراکی ها در یمن
۱۷	تغییر نظام سیاسی عربستان	۵۶	تقابل میان نهادهای مدنی و ساختارهای سنتی
۱۸	دستیابی عربستان به بمب اتمی	۵۷	شکاف‌های اجتماعی در یمن
۱۹	موازنه توان نظامی جمهوری اسلامی ایران و عربستان	۵۸	شکاف مذهبی در یمن
۲۰	قدرت کشورهای همراه با عربستان در جنگ با یمن	۵۹	افزایش مناسبات قبیله‌ای در یمن
۲۱	انزوای بین‌المللی سلفیت و وهابیت	۶۰	افزایش بیماریهای مسری در یمن
۲۲	موفقیت برنامه اصلاحات محمدبن سلمان در عربستان	۶۱	کاهش امید به زندگی در یمن
۲۳	مواضع کنشگران منطقه‌ای نسبت به انصارالله	۶۲	کاهش سطح سلامت عمومی در یمن
۲۴	اختلافات یمنی‌ها با سومالی و جیبوتی	۶۳	افزایش قدرت رسانه‌ای عربستان
۲۵	اختلاف و فاصله طبقاتی بین رهبران انقلاب و مردم یمن	۶۴	تخریب مزارع کشاورزی یمنی‌ها در جنگ
۲۶	افزایش قدرت داعش در یمن	۶۵	وابستگی یمن به آب شرب و محصولات غذایی
۲۷	افزایش قدرت سلفی‌ها در یمن	۶۶	کاهش منابع طبیعی و محدودیت ناشی از آن
۲۸	افزایش قدرت القاعده در یمن	۶۷	شناسایی دولت مد نظر انصارالله به‌طور رسمی
۲۹	تجزیه یمن	۶۸	تحریم‌های شورای امنیت بر علیه انصارالله
۳۰	قدرت گرفتن اصلاح و اتحاد آن با عربستان	۶۹	محکومیت عربستان در محاکم بین‌المللی بعلت جنایات
۳۱	نقش‌آفرینی امارات در یمن	۷۰	تغییر قانون اساسی یمن
۳۲	سرکوب انصارالله توسط ائتلاف مخالفان داخلی و خارجی	۷۱	شناسایی دولت مد نظر انصارالله به‌طور دو فاکتو
۳۳	تفویت جایگاه سیاسی انصارالله در یمن	۷۲	افزایش قدرت قبایل در یمن
۳۴	وحدت در یمن	۷۳	ضعف سامانه بانکداری یمن
۳۵	سقوط صنعا	۷۴	افزایش فقر و بیکاری در یمن
۳۶	سقوط بندر میدی	۷۵	اختلافات شمالی‌ها و جنوبی‌ها در یمن
۳۷	سقوط بندر الحدیده	۷۶	افزایش کمک‌های بین‌المللی و بشردوستانه در یمن
۳۸	قدرت اصلاحی‌ها در یمن	۷۷	وضعیت دولت انقلابی یمن
۳۹	بازگشت منصور هادی به قدرت در تمام یمن	۷۸	تغییر ساختار قدرت از ریاستی به پارلمانی در یمن



جدول ۲. عدم قطعیت‌های بحرانی (کلیدی)

ردیف	عنوان
۱	وضعیت دولت انقلابی در یمن
۲	وحدت یمن
۳	تجزیه یمن

سپس حالت هر کدام از عدم قطعیت‌های کلیدی مشخص، و در نرم‌افزار سناریو ویزارد وارد شد.



در مرحله بعد امتیازاتی که خبرگان از طیف نمره ۳ تا ۳- به حالت‌های مشخص شده داده‌اند، در نرم‌افزار سناریو ویزارد وارد شد. پس از تحلیل داده‌ها در نرم‌افزار سناریو ویزارد شش سناریو مشخص و در ادامه علائم تحقق هر سناریو و داستان‌های آنها تدوین شد. به نظر می‌رسد با توجه به علائم راهنما، سناریوی ۳، محتمل‌ترین سناریو، و با توجه به دیدگاه خبرگان، سناریوی ۱، مطلوب‌ترین سناریو برای جمهوری اسلامی ایران باشد.

سناریوها	عوامل	علائم تحقق
سناریوی ۱	وحدت به صورت متمرکز	عربستان و امارات از جنگ با یمن منصرف شوند. انصارالله تمام مناطق شمالی را تصرف کند و جنوبی‌ها به پذیرش گفتگو و توافق با انصارالله مجبور شوند.
	حفظ دولت انقلابی در یمن	
سناریوی ۲	تجزیه یمن به شمالی و جنوبی	تسخیر بندر الحدیده توسط ائتلاف سعودی، شورش‌های مردمی در استان‌های تحت تسلط انصارالله، خارج شدن قبایل اطراف صنعا از همراهی با انصارالله و توافق با اصلاح و عربستان، اختلافات در انصارالله، تقویت قدرت مجالس جنوبی‌ها، حمایت امارات از استقلال جنوب
	شکست دولت انقلابی یمن	
سناریوی ۳	تجزیه یمن به شمالی و جنوبی	با طولانی شدن زمان جنگ: عربستان از درگیری با یمن دست بر می‌دارد و نیروهایش از یمن خارج می‌شوند. تکلیف شمال یمن مشخص می‌شود. در جنوب امارات با حمایت آنها طرح تجزیه را مطرح می‌کند.
	حفظ دولت انقلابی در یمن	
سناریوی ۴	وحدت به صورت فدرالی	انصارالله از صنعا خارج می‌شود. جریان ائتلاف حاکم، نماینده خود را به صنعا می‌فرستد. گفتگو با فشار عربستان و امارات بین اصلاح و جنوبی‌ها اتفاق می‌افتد.
	شکست دولت انقلابی یمن	
سناریوی ۵	تجزیه یمن به چند کشور	توافق نداشتن عربستان و امارات در مورد یمن، انصارالله با جنوب تفاهم نمی‌کند.
	حفظ دولت انقلابی یمن	حالت تخاصم در منطقه باقی مانده است. شورای انتقالی جنوب اعلام استقلال می‌کند.
سناریوی ۶	وحدت به صورت متمرکز	حزب اصلاح با دیگر گروه‌های سیاسی یمن وحدت کند. عربستان و امارات با هم توافق کنند. جنوبی‌ها در حکومت مشارکت کنند. انصارالله از صنعا خارج شود.
	شکست دولت انقلابی یمن	

خلاصه داستان‌های هر سناریو در ذیل آمده است:

### داستان سناریوی ۱

گروه‌های سیاسی همراه عربستان با انصارالله توافق می‌کنند. برای رضایت جنوبی‌ها دوره انتقالی هفت‌ساله مشخص می‌شود و تعیین وضعیت یمن به آینده موکول می‌شود. جنوبی‌ها که توان اعلام استقلال ندارند به رضایت مجبور می‌شوند.

### داستان سناریوی ۲

انصارالله به صعه بر می‌گردد. سلاح‌های سنگین و راهبردی از آنها گرفته می‌شود. انصارالله به صورت ضعیف در بخش محدودی از قدرت سیاسی یمن شرکت داده می‌شود.





قدرت در یمن به دست طیف طرفدار عربستان هست. اصلاح و مؤتمر در شمال و نیروهای امارات در جنوب، قدرت دارند.

### داستان سناریوی ۳

جنگ در یمن طولانی شده، انصارالله حاکمیت خود را در استان‌های شمالی یمن کامل می‌کند و برای جلوگیری از تنش دوباره با دشمنانش، به جنوب یمن کاری ندارد. در شمال یمن صنعا به عنوان پایتخت حکومت شمالی یمن تثبیت، و مجلس مستقل تشکیل می‌شود. فعالیت‌های اخوان و اصلاح در یمن شمالی محدود می‌شود. عربستان از جنگ با یمن دست برداشته و نیروهایش از یمن خارج می‌شوند. در جنوب با حمایت امارات حکومت مستقل شکل می‌گیرد.

### داستان سناریوی ۴

نیروهای طرفدار عربستان قدرت را در یمن به دست دارند. گروه‌های غربی سعی می‌کنند انصارالله به صورت ضعیف در قدرت مشارکت داشته باشد تا جلوی حرکات تلافی‌جویانه آنها را بگیرند. انصارالله به صعدا برگشته و از وضعیت موجود به شدت ناراضی است.

### داستان سناریوی ۵

عربستان و امارات به توافق با هم نمی‌رسند. جنوب یمن تجزیه شده است. به تحریک عربستان حضرموت ادعای استقلال کرده است. امارات بخشی از جنوب را متحد و اعلام استقلال کرده است. انصارالله توان برقراری ارتباط با جنوب را ندارد. انصارالله بر روی بخش‌های شمالی یمن مسلط می‌شود. عربستان در شرق یمن قدرت پیدا می‌کند. امارات در جنوب زمینه ایجاد حکومت مستقل را ایجاد کرده است.

### داستان سناریوی ۶

حزب اصلاح با حمایت عربستان و گروه‌های دیگر چیره می‌شود. عربستان امارات را به پذیرش یمن واحد مجبور می‌کند و جنوبی‌ها را هم در حکومت مشارکت می‌دهد. وضعیت انصارالله شبیه دوران حکومت عبدالله صالح می‌شود. انصارالله خلع سلاح می‌شود و حضورش در قدرت بسیار ضعیف است و در صعدا محدود می‌شوند.

### نتیجه‌گیری

در پاسخ به این سؤال که سناریوهای آینده سیاسی یمن تا سال ۱۴۰۸ کدامند؟ ابتدا از طریق مرور اسناد و مصاحبه با ۲۱ نفر از خبرگان، ۷۸ پیشران آینده یمن مشخص شد.



در مرحله بعد از طریق برگزاری پنل خبرگی با حضور ۱۴ نفر از خبرگان، پیشران‌ها ارزیابی و سنجش شد. پس از محاسبه و بررسی نظر خبرگان، سه پیشران (وضعیت دولت انقلابی در یمن، تجزیه یمن، وحدت یمن) به‌عنوان عدم قطعیت‌های کلیدی دارای بیشترین اهمیت و عدم قطعیت (بحرانی/کلیدی) مشخص شد. سپس حالت هر کدام از عدم قطعیت‌های کلیدی مشخص، و در نرم‌افزار سناریو ویزارد وارد شد. براساس خروجی نرم‌افزار سناریو ویزارد و تأیید خبرگان، شش سناریوی استوار انتخاب شد. سپس داستان آنها تدوین شد و سناریوها در معرض آزمون «تونل باد» قرار گرفت. در ادامه علائم تحقق و اعتبارسنجی سناریوها در پنل خبرگان مشخص شد.

همچنین بازیگران کلیدی داخلی شامل (انصارالله - سید عبدالملک الحوثی، تجمع احزاب مخالف جنگ عربستان، حزب کنگره عمومی مؤتمر، شورای انتقالی جنوب، هم‌پیمانان امارات، القاعده انصارالشریعه، القاعده جزیره‌العرب، منصور هادی، اصلاح، حراک حسن باعوم (حراک انقلابی)، قبایل طرفدار انصارالله و سازمان‌های مردم‌نهاد)، و بازیگران خارجی تأثیرگذار بر موضوع پژوهش شامل (عربستان، امارات، امریکا، ایران، حزب‌الله، انگلیس، روسیه، عمان، اتحادیه اروپا، سازمان ملل، شورای امنیت و صلیب سرخ جهانی) شناسایی شدند.

سناریوی ۱ که در آن عوامل وحدت به‌صورت متمرکز و حفظ دولت انقلابی در یمن وجود دارد به‌عنوان سناریوی مطلوب جمهوری اسلامی ایران است. از نشانه‌های تحقق این سناریو انصراف رژیم عربستان و امارات متحده عربی از جنگ ظالمانه بر علیه یمن، تصرف تمام مناطق شمالی یمن بوسیله انصارالله و پذیرش گفتگو و توافق جنوبی‌های یمن با جنبش انصارالله است.

برخی از چالش‌های جمهوری اسلامی ایران در حمایت و پشتیبانی از مردم یمن عبارت است از:

- تحریم‌های اقتصادی و سیاسی
- دسترسی نداشتن مستقیم ایران به یمن
- محاصره و مسدود شدن راه‌های ارتباطی با یمن
- نبود پژوهش‌های بنیادین در مورد یمن
- وجود تفکر وهابی و افراطی‌گری در یمن
- مشکلات اقتصادی و بهداشتی گوناگون مردم یمن
- قطعنامه‌های شورای امنیت بر علیه یمن
- حمایت‌های امریکا از عربستان و امارات علیه مردم یمن



- تبلیغات قوی رسانه‌ای عربستان بر علیه ایران و یمن
  - ضعف بودن سمن‌های ایرانی برای ارتباط با سمن‌های یمنی
  - ضعف بودن زبان عربی در میان نخبگان و فعالان سیاسی ایرانی
  - فعالیت فرهنگی امریکایی‌ها و اروپایی‌ها در یمن
  - سیاست‌های مخفیانه انگلیس در راستای ضربه زدن به یمن
- برای ایفای هرچه بهتر نقش جمهوری اسلامی ایران برای سناریوی مطلوب در حمایت و پشتیبانی از مردم یمن موارد ذیل بیان می‌شود:
- تقویت روابط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... بین جامعه ایران و یمن
  - کمک به شناساندن تاریخ و فرهنگ مردم یمن به‌عنوان بخشی از تاریخ جهان اسلام
  - تربیت و تقویت کارشناسان حوزه‌های سیاسی و رسانه‌ای پیرامون یمن
- در نهایت پیشنهاد می‌شود برای هر یک از سناریوهای آینده یمن در افق ۱۰ ساله راهبردهای جمهوری اسلامی ایران تدوین، و هر سال سناریوها و راهبردها بازبینی، و مطالعات مشابه در مورد دیگر کشورها نیز انجام شود.

## منابع

- امیرعبداللهیان، حسین (۱۳۹۲). ناکارآمدی طرح خاورمیانه بزرگ در خیزش بیداری اسلامی، چاپ دوم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- بوش، ریموند و احتشامی، انوشیروان (۱۳۹۰). سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه، ترجمه رحمان قهرمان پور و مرتضی مساح، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- پدram، عبدالرحیم (۱۳۹۴)، فرایند سناریونویسی در موضوعات راهبردی، چاپ اول، تهران: مؤسسه افق آینده‌پژوهی راهبردی.
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۹۰)، مبانی، اصول و روشهای آینده‌پژوهی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع) ،
- خضیری احمد، حسن (۱۳۹۱)، دولت زیدیه در یمن. ترجمه احمد بادکوبه هزاره، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه ودانشگاه.
- شولز، رینهارد (۲۰۰۰)، نگاهی نو به تاریخ جهان. ترجمه امیر بهرام عرب احمدی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شیخ حسینی، مختار (۱۳۹۴)، جنبش انصارالله یمن، قم: مجمع جهانی اهل‌بیت(ع).
- صفوی، سیدیحیی (۱۳۹۳)، جهان اسلام: شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- علیزاده، عزیز و همکاران (۱۳۸۵)، تعریف، نظام طبقه‌بندی و انواع سناریوها در یک پروژه سناریونگاری کدام‌اند؟، تهران: مرکز صنایع نوین.
- قادری، حاتم (۱۳۸۷)، پراکسین (تعاطی) اندیشه و فعل سیاسی در خاورمیانه، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- کریملو، داوود (۱۳۹۳)، کتاب سبز یمن، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- کوشکی، محمد صادق و نجابت، روح‌الله (۱۳۹۵)، انصارالله در یمن، تهران: نشر معارف.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۵)، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۴)، سیاست‌گذاری راهبردی در مدیریت بحران امنیتی یمن، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست جهانی، دوره چهارم، ش ۳.
- ناظمی، امیر؛ نوری، حسین؛ خرمی، محمدمبین و صمدی، حامد (۱۳۹۶)، سناریوهای ایران در سال ۱۳۹۶، فصلنامه راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۷، ش ۲۲.
- فیروز کلائی، عبدالکریم (۱۳۹۴)، تحلیلی بر مهمترین علل تهاجم نظامی ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی به یمن، پژوهش‌های منطقه‌ای، ش ۷.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۱)، علل و عوامل بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا (مطالعه موردی تونس، مصر، لیبی و یمن)، مجله سیاست دفاعی، ش ۸۰.
- صادقی، حسین و احمدیان، حسن (۱۳۸۹)، دگرگونی جایگاه منطقه‌ای یمن: امکانات و چالشها، فصلنامه راهبرد، ش ۵۶.
- خواجه سروی، غلامرضا و شهرکی، حامد (۱۳۹۱)، انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی در یمن با تأکید بر جنبش الحوثی، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، س ۱، ش اول.
- العمری، حسین‌بن‌عبداله (۲۰۱۱)، ایمانیات فی التاریخ و الثقافه و السیاسه. دمشق: دارالفکر.
- الزویری، محبوب (۲۰۱۵). ایران و الحوثیون: صناعة الفوضى فی الیمن، صنعا: الدراسات.
- ماکرو، اریک (۱۹۸۷). الیمن والغرب. حسین بن عبدالله العمری، دمشق: دارالفکر.
- Abu Hilal, Firas, (2011). Iran and the Arab Revolutions: Positions and Repercussions, Arab Center for Research & Policy Studies, Doha, September.
- Ali aziz, Muhammad, (2011). Religion and mysticism in early islam, new York: i.b.tauris.
- Al-Qarawi, Hisham, (2011). The Yemeni Revolution: replacing Ali Abdullah Saleh, or replacing obsolete institutions? Arab Center for Research & Policy Studies, Doha, MAY .
- Barak A. Salmoni, Bryce Loidolt, Madeleine Wells, (2010). Regime and Periphery in Northern Yemen The Huthi Phenomenon, Published by the RAND Corporation.



- Bearcat, sultan, (2015). Saudi arabia war in yemen; the moral questions, Washington dc: brookings institution.
- Bell, Wendell, (2003). Foundation of Futures Studies: History, Purposes, and Knowledge (Human Science for New Era), Transaction Publishers: London.
- Bishop, Peter. (2007). The Current state of scenario development: an overview of techniques. foresight 9 (1): 5-25.
- Cordesman, Anthony, (2015). American, Saudi arabia and the strategic importance of yemen, Washington dc: center for strategic and international studies.
- E. farah, Caesar, (2002). The sultan yemen , new York : i. b. tauris.
- Etheredge , laura s, (2011). Saudi arabia and yemen , new York; rosen pup group.
- Godet, M., (1994). From Anticipation to Action A handbook of strategic prospective. Paris. UNESCO Presses Universitaires de France.
- Godet, M., (2000). The Art of Scenarios and Strategic Planning: Tools and Pitfalls. Technological Forecasting and Social Change.
- Philips, sarah, (2008). Yemen democracy experiment in regional perspective, New York: palgrave macmillan.
- Rabi, uzi, (2015). Yemen: revolution, civil war and unification, new York: i. b. tauris.
- Ram p., (2015). Yemen history and culture, New York: gbo.
- Reza Abdi and Ali Basarati, (2016). A Critical Analysis of the Representation of Yemen Crisis in Ideologically-Loaded Newspaper Headlines, GEMA Online Journal of Language Studies Volume 16 .
- Salisbury, Peter, (2015). Yemen and the Saudi-Iranian 'Cold War', Middle East and North Africa Programme , February
- Schwartz, P. (1991). The Art of the Long View: Planning for the Future in an Uncertain World, Currency Doubleday, New York.
- Shelagh weir, (2007). A Tribal Order Politics and Law in the Mountains of Yemen, universit y of texas press Austin, First edition.
- Terrill, W., andrw (2011). The conflicts in yamen and u.s. national security , Carlisle: strategic studies institute.
- Tonkin, Hannah, hunter, jane (2015). State of crisis: explosive weapons in yeman , London: aoav

